

## ما همه جا تحت نظر هستیم

گفتگو با ابراهیم یزدی درباره خبر بازداشتش

مصاحبه‌گر: بهنام باوندپور، ۱۳۸۵/۲/۲۱

چهارشنبه، بیستم اردیبهشت‌ماه ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران، به‌همراه دیگر همراهانش که مشغول بازدید از نمایشگاه کتاب تهران بودند، توسط حراست نمایشگاه مورد پرس و جو قرار گرفتند و چند جزوه‌ای که به‌همراه داشتند، ضبط شد. برخی رسانه‌ها، از بازداشت دبیرکل نهضت آزادی سخن گفته‌اند، در حالی که خود ایشان «بازداشت» را واژه‌ای مناسب نمی‌دانند. دکتر ابراهیم یزدی در گفتگویی با صدای آلمان، اتفاق دیروز در نمایشگاه کتاب تهران را شرح داده است.

دو‌پچه‌وله: دکتر یزدی، در رسانه‌ها صحبت از این شده که شما دیروز هنگام خروج از نمایشگاه کتاب تهران، توسط چند نفر که خود را حراست نمایشگاه معرفی می‌کردند بازداشت شده‌اید. آیا این خبر صحت دارد؟

ابراهیم یزدی: بازداشت به آن‌صورت نبود. اخیراً نهضت آزادی ایران یک نامه سرگشاده‌ای به نماینده‌ی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران نوشته و به مطالب خلافی که در نشریه بسیج علیه نهضت آزادی، علیه اشخاص و از جمله علیه خود من منتشر شده بود، پاسخ داده است. این نامه را ما برای نماینده ولی فقیه، دفتر مقام رهبری و دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان رهبری فرستادیم. در مراسمی که دیروز در نمایشگاه بود، من تعدادی از این نامه‌ها را همراه خودم داشتم که داده بودم به‌دست یکی از همراهانم و به خبرگزاری «ایسنا» و «ایلنا» در آنجا یکی یک نسخه دادم. ظاهراً مامورین حراست که ما را زیرنظر داشتند، متوجه شده بودند. البته ما هم کار پنهانی نداشتیم، اما موقعی که می‌خواستیم از نمایشگاه برویم و دیگر تمام شده بود، این مامورین آمدند سراغ آن دوست همراه من و می‌خواستند او را بازداشت کنند و ببرند ازش سوال و جواب بکنند که با اعتراض من روبرو شدند. من گفتم که نه، شما نمی‌توانید و اگر هرچه هست، با من باید درمیان بگذارید. آنها هم گفتند، نه ما با او کار داریم. منم گفتم، نه! شما نمی‌توانید. بالاخره، بعد از مختصری بحث و از این صحبت‌ها به آنها گفتم، اگر می‌خواهید او را ببرید، من را هم باید ببرید. بالاخره همه‌مان را که دوازده نفری بودیم بردند به دفتر حراست و در آنجا مسئول حراست به من گفت، این نشریه غیرقانونی‌ست. گفتم، شما مقام قضایی نیستید که به من دستور بدهید و بعد هم، ما اینجا توزیع نمی‌کردیم و هیچ کار خلاف قانون هم صورت نگرفته و به آن آقا هم ربطی ندارد و شما هر ایرادی دارید با من طرف هستید.

دو‌پچه‌وله: دکتر یزدی، در رسانه‌ها به این مسئله اشاره شده که از ابتدای ورود شما به نمایشگاه، نیروهای حراست با فاصله‌ی کمی از شما و همراهانتان، شما را دنبال می‌کرده‌اند. آیا این درست است؟

ابراهیم یزدی: بله، همین‌جور است. در تمام مدت آنها ما را تحت نظر داشتند و مامورین‌شان به هر نقطه‌ای که ما می‌رفتیم می‌آمدند.

دو‌پچه‌وله: بنابراین، به نظر شما، این منطقی به نظر می‌آید که مسئله صرفاً نامه‌ای بوده که شما به نماینده‌ی ولی فقیه نوشته بودید؟ چون اگر این طور باشد، پس باید شما را در هرجایی مورد تعقیب قرار بدهند و نه فقط در نمایشگاه کتاب تهران.

ابراهیم یزدی: البته ما همه‌جا تحت نظر هستیم، حتا، کسانی که به منزل ما می‌آیند تحت نظر هستند. اخیراً یکی از افرادی را که بردند به دادگاه انقلاب و علیه او پرونده‌ی درست کردند، به موجب گزارش آقای دادخواه که وکیل این آقای

رضاپور است، یکی از اتهاماتش رفت و آمد به منزل من و شرکت در جلسات قرآن من است. ما دائما تحت نظر هستیم. دیروز هم در نمایشگاه، ما متوجه بودیم که تحت نظر هستیم، اما ما دیگر به این چیزها داریم عادت می‌کنیم. دویچه‌وله: در رسانه‌ها یک مسئله‌ی دیگری هم که مطرح شده، این است که شما و همراهانتان از ماموران خواسته‌اید که مدارک شناسایی خودشان را ارائه بدهند و آنها تهدید کرده‌اند که شما توسط نیروهای انتظامی بازداشت خواهید شد! این خبر درست نیست؟

ابراهیم یزدی: البته با من چنین صحبتی نبود. آن همراه من را که مامور حراست دستش را گرفته بود و می‌خواست او را بردش و با او تندی کرد، او هم جواب داد که با من به این تندی سخن نگو، ما از این نوع سخنان نمی‌ترسیم. آن مامور هم گفت که اگر نیایی، من به مامورین انتظامی خبر می‌دهم که بیایند کمک بکنند و او هم در پاسخ گفت، اگر مامورین هم بیایند، من نمی‌ترسم.

دویچه‌وله: بعد، در ادامه آمده است که بعد از صحبت این همراه شما، تمام وسایل شما مورد بازرسی قرار گرفته است. ابراهیم یزدی: بله! بعد از اینکه ساک دستی همراه را گرفتند و مورد بازرسی قرار دادند، بقیه را هم می‌خواستند که من بشدت اعتراض کردم و گفتم، شما حق چنین کاری را ندارید. اینها همراهان من هستند و اگر مطلبی هست باید به من بگویید که مشکل‌تان چه هست. ابتدا برخورد آن مامور با دوست ما خوب نبود، ولی وقتی من دخالت کردم و گفتم، شما نمی‌توانید، یک مقداری نرم شدند. من باور ندارم که می‌دانستند نامه‌ی ما چیست، چون ندیده بودند. فقط دیده بودند که ما یک جزوه‌ای را داده‌ایم به فردی.

دویچه‌وله: بنابراین، یعنی از نظر شما می‌توانست این حرکت حراست در ارتباط با هر مسئله‌ای باشد. یعنی اینکه صرفا مسئله آن نامه نبوده، مسئله این بوده که شما چه ...

ابراهیم یزدی: می‌توانست هر مسئله‌ای باشد، منتها اشکال این است که این آقایان و این دوستانی که اینکارها را می‌کنند، متوجه حساسیت‌ها و مسایل نیستند. من به آن مسئول حراست گفتم که پدرجان، مگر تو خوشت می‌آید بیخودی سروصدا بکنی. شما که من را برمی‌دارید و به اینجا می‌آورید، نمی‌دانید که منعکس می‌شود، و وقتی من از اینجا بیرون بروم، مورد سوال قرار می‌گیرم و باید جواب بدهم. گفت، شما نگران نباشید، همین الان رفته روی آنتن.

دویچه‌وله: حالا، نشریه خبری‌تان را تماما از شما گرفتند یا پس دادند؟

ابراهیم یزدی: تعدادش بسیار کم بود. کیف دوست ما را که گرفته بودند، من اعتراض کردم و گفتم، باید آن را بردارید بیاورید. آنها گفتند نه، ما آن مطالب را به شما پس نمی‌دهیم. گفتم که توی آن کیف چیزهای دیگر هم هست. آنها را بردارید بیاورید، من ببینم توی آن کیف چی هست. کیف را آوردند. از آن نامه‌ی سرگشاده فقط ما ۳ نسخه داشتیم که آن ۳ نسخه را آنها نگه داشتند. منم گفتم، ایرادی ندارد، بشرطی که خودتان هم بخوانید و اگر حرفی هم دارید، به من زنگ بزنید و بگویید که نظرتان چیست.